

معرفی و بررسی کتاب تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند

۹۴-۸۵

محسن شرفایی

Introducing and Reviewing a *Social-Intellectual History of the Isna Ashari Shī'is in India*

By: Mohsen Sharafāei

Abstract: *A Social-Intellectual History of the Isna Ashari Shī'is in India*, by Seyyed Athar Abbas Rizvi, was published in two volumes in English in Australia in 1986. This book is one of the most important works that has studied the intellectual and social life of Indian Shī'ites up to the 19th century. The first volume of this book was translated in Persian by a group of translators, and published in 670 pages by the publishing house of Daftar-e tablighāt-e Islami in 1376. However, the very same volume has been retranslated by Mansoor Mustamedi (775 pages), and the second volume has been translated by Abdolhossein Binesh (767 pages). In the following paper, the author has tried to introduce the mentioned work. In order to achieve this goal, after presenting a brief history of the book author and stating the reason for the retranslation of the first volume of the book, he has introduced the book and the content of each of the volumes and their chapters. Among the other subjects discussed in this paper are pointing out some of typographical errors and content considerations, including the assessment of the content of the book and its translation, as well as presenting some of the weaknesses of the work.

Key words: *A Social-Intellectual History of the Isna Ashari Shī'is in India*, Seyyed Athar Abbas Rizvi, Indian Shī'is, book report, Imamiyya Shia, Shiism, India, Isna Ashari Shī'is.

تعریف و نقد کتاب: تاریخ اجتماعی و الفکری للشیعة الاثنا عشریة فی الهند

الخلاصة: ألف السيد أظهر عباس الرضوي كتابه بعنوان التاريخ الاجتماعي والفكري للشيعة الاثنا عشرية في الهند، وأصدره في أستراليا سنة ١٩٨٦ م في مجلدين باللغة الإنجليزية.

والكتاب المذكور هو واحد من أهم الآثار التي تبحث في الحياة الفكرية والاجتماعية للشيعة الهند حتى القرن التاسع عشر الميلادي.

وقد صدرت الترجمة الفارسية للمجلد الأول من هذا الكتاب سنة ١٣٧٦ الشمسية، وكانت بقلم مجموعة من المترجمين، وتولى نشرها مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي الذي طبعها في ٦٧٠ صفحة.

وقد تكررت ترجمته للمرة الثانية، وتولى ترجمة هذا الجزء منصور معتمدي، وصدر مطبوعاً في ٧٧٥ صفحة. في حين تولى ترجمة الجزء الثاني منه عبد الحسين بينش، وصدر مطبوعاً في ٧٦٧ صفحة.

يسعى المقال الحالي إلى التعريف بالكتاب المذكور، مبتدئاً باستعراض مختصر لسيرة المؤلف، وإشارة إلى السبب الداعي إلى إعادة ترجمة الجزء الأول منه، لينتقل بعد ذلك إلى التعريف بالكتاب وبيان محتويات كل واحد من مجلديه الاثنین وفصولهما العديدة.

ومن محتويات هذا المقال هو التنبيه على بعض الاشتباهات الطباعية، والملاحظات على المحتوى من قبيل تقييم مضمون الكتاب، وكيفية ترجمته، وتأشير بعض نقاط الضعف فيه.

المفردات الأساسية: كتاب التاريخ الاجتماعي والفكري للشيعة الاثنا عشرية في الهند، أظهر عباس الرضوي، شيعة الهند، تعريف الكتاب، الشيعة الإمامية، شبه القارة الهندية، التشيع، الهند، الشيعة الاثنا عشرية.

چکیده: کتاب تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند، کتابی به قلم سید اظهر عباس رضوی است که به زبان انگلیسی و در دو مجلد در سال ١٩٨٦ در استرالیا منتشر گردید. کتاب مزبور یکی از مهمترین آثار است که حیات فکری و اجتماعی شیعیان هند را تا سده ١٩ میلادی بررسی کرده است. ترجمه جلد نخست کتاب به فارسی در سال ١٣٧٦، به قلم جمعی از مترجمان و از سوی مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی در ٦٧٠ صفحه راهی بازار نشر شد. اما ترجمه مجدد همین جلد (٧٧٥ صفحه) توسط منصور معتمدی و جلد دوم (٧٦٧ صفحه) از سوی عبدالحسین بینش صورت گرفته است. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی اثر مذکور همت گمارده است. وی در راستای این هدف، پس از بیان شرح حال مختصری از مؤلف و علت برگردان مجدد جلد اول کتاب، به معرفی کتاب و محتوای هریک از جلدها و فصول آن اقدام کرده است. تذکر برخی اشتباه های چاپی و ملاحظات محتوایی از جمله ارزیابی محتوایی کتاب و ترجمه آن و طرح برخی نقاط ضعف اثر، از دیگر مباحث مطرح شده در نوشتار هستند.

کلیدواژه: کتاب تاریخ اجتماعی فکری شیعه اثناعشری در هند، اظهر عباس رضوی، شیعیان هند، معرفی کتاب، شیعه امامیه، شبه قاره هند، تشیع، هندوستان، شیعه اثناعشری.

۶۶

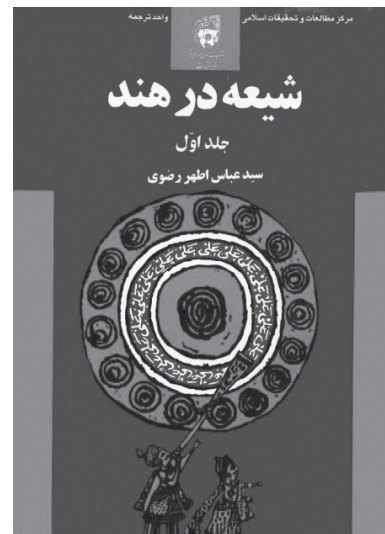
تاریخ اجتماعی. فکری شیعه اثناعشری در هند^۱ کتابی است مفصل که به قلم نویسنده فقید هندی، سید اطهر عباس رضوی^۲ نوشته شد. اصل این کتاب به زبان انگلیسی و در دو مجلد در سال ۱۹۸۶ در استرالیا منتشر شد.

ترجمه جلد نخست آن به فارسی در سال ۱۳۷۶، به قلم جمعی از مترجمان و از سوی مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی در ۶۷۰ صفحه راهی بازار نشر شد، اما ترجمه مجدد همین جلد (۷۷۵ صفحه) همراه جلد دوم (۷۶۷ صفحه) به وسیله دو تن از مترجمان، آقایان منصور معتمدی و عبدالحسین بینش انجام شد که هر کدام از ایشان به ترتیب عهده‌دار ترجمه جلد اول و دوم کتاب بوده‌اند. کتاب مزبور یکی از مهم‌ترین آثار است که حیات فکری و اجتماعی شیعیان هند را آن هم تا سده ۱۹ میلادی بررسی کرده است.

البته پیش از این، کتاب شیعیان هند نوشته جان نورمن هالیستر که نخستین اثر شرق‌شناسانه در بررسی زمینه پیدایی، تاریخ و تحولات تشیع در هند است، در سال ۱۹۵۳ منتشر و در سال ۱۳۷۳ به قلم آذرمیدخت مشایخ فریدنی به فارسی برگردانده شد. بعد از آن می‌توان از کتاب بهره‌ها^۳ به قلم اصغرعلی انجینیر، چاپ شده در سال ۱۹۸۰ یاد کرد،^۴ اما آنچه کتاب رضوی را از آثار پیش‌گفته ممتاز می‌کند، جامعیت علمی و نگاه دقیق و روشمند و استقصای حداکثری منابع تاریخی، اعم از مکتوب و نسخه‌های خطی بوده است.

نوشتاری که پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، معرفی اثر مزبور است که در زبان

تاریخ اجتماعی. فکری شیعه اثناعشری در هند؛ سید اطهر عباس رضوی؛ ترجمه عبدالحسین بینش؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷



۱. مشخصات کتابشناسی متن اصلی کتاب به شرح زیر است:

Rizvi, Saiyid Athar Abbas, *A Socio-Intellectual History of Isna 'Ashari Shi'is in India (7th to 16th century A.D.)*, Canberra, Mārifat Publishing House, 1986, Vol. 1- 2.

2. Saiyid Athar Abbas Rizvi.

3. Engineer, Asghar Ali, *The Bohras*, New Delhi, House Pvt Ltd, 1980.

۴. البته در ادامه کتاب‌های دیگری نوشته شده است که برای اطلاع از آنها، اسامی برخی از آنها ذکر می‌شود: ریشه‌های تشیع شمال هند در ایران و عراق: دین و حکومت در اوده ۱۷۲۲-۱۸۵۹، اثر خوان کول (Cole, J. R. I., Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq: Religion and State in Awadh, ۱۷۲۲-۱۸۵۹, Berkeley, University of California Press, ۱۹۸۸)، تشیع در دوره استعمار هند: دین، جماعت اسلامی و فرقه‌گرایی، اثر جاستین جونز (Justin, Shi'a Islam in Colonial India: Religion, Community and Sectarianism, Cambridge University Press, ۲۰۱۲)، اسماعیلی‌ها در دوره استعمار ۱۸۳۹-۱۹۶۹، نوشته مارک فون گروندل (Grondele, Marc van, The Ismailis (in the Colonial Era: Modernity, Empire and Islam, ۱۸۳۹-۱۹۶۹, London, Columbia University Press, ۲۰۰۹)، پرونده قضایی آغاخان: دین و هویت در هند دوران استعمار، اثر تینا بوریت (Purohit, Teena, The Aga Khan Case: Religion and Identity in Colonial India, Cambridge, Harvard University Press, ۲۰۱۲)، اقلیتی مسلمان در هند: مجالس سوگوری، اثر تحلیل تویی هوارث (Howarth, Toby, The Twelver Shi'a as a Muslim (Minority in India: Pulpit of Tears, London & New York, Routledge, ۲۰۰۵)، هند و شیعیان: پارسایی آیینی و عامیانه در یک جماعت اسلامی، نوشته دیوید پینالت (Pinault, David, Horse of Karbala: Muslim Devotional Life in India, Palgrave Macmillan US, ۲۰۰۰); The Shiites: Ritual and Popular Piety (in a Muslim Community, New York, St. Martin's Press, ۱۹۹۲). برای اطلاع بیشتر از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره جنبه‌های مختلف تشیع در هندوستان نگاشته شده است بنگرید به: طالب، حمید، «آرژانی تحلیلی از آثار شیعه پژوهی شبه قاره هند»، مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۱۹-۲۴۷.

فارسي و معرفي حيات شيعه اماميه در شبه قاره هند، اثری بی همتا به شمار می رود و برگردان این اثر می تواند خلأ موجود را پر کند و تصویری از تشیع هند را پیش روی آنها قرار دهد. از این رو هدف اصلی این نوشتار، معرفي محتوای این کتاب و زین، تقدیر از تلاش های مترجمان و ناشر محترم در راستای نشر این اثر و در آخر بیان برخی ملاحظات در باب ترجمه و محتوای کتاب است. این تذکر لازم است که نوشتار حاضر به هیچ روی قصد نقد ترجمه را ندارد و تنها متن فارسي کتاب محور قرار گرفته و در جاهایی که لازم بوده به اصل متن انگلیسی کتاب نیز مراجعه شده است.

شرح حال مؤلف

سید اطهر عباس رضوی در سال ۱۹۲۱م / ۱۳۰۰ش به دنیا آمد. او تحصیلات عالی خود را در دانشگاه های آگره، علیگره و دانشگاه لندن به انجام رساند و پس از آن در دانشگاه های مختلف هند در زمینه های تاریخ، تاریخ اسلام و تاریخ هند، فرهنگ و تمدن اسلامی در شبه قاره هند به تدریس و تحقیق پرداخت. مدیر گروهی رشته تاریخ در دانشگاه جمو و کشمیر، دبیری نهضت آزادی در دولت ایالتی اوترپرادش، کار علمی در دانشگاه های جواهر لعل نهرو، دهلی نو، دانشگاه علیگره و عضویت پژوهشی وابسته و همکار در «مدرسه مطالعات شرقی-آفریقایی دانشگاه لندن» جزء مهم ترین فعالیت های علمی و پژوهشی وی بود. رضوی از سال ۱۹۶۷م به دانشگاه ملی کانبرا در استرالیا رفت و در گروه تمدن های آسیایی این دانشگاه به تدریس و پژوهش پرداخت و تا پایان عمر در همان جا به کار علمی اشتغال داشت. گویا مؤلف چندین بار برای زیارت مضجع شریف امام رضا(ع) به شهر مشهد آمد و در آخرین سفر زیارتی اش در این شهر از دنیا رفت و در حرم رضوی مدفون شد. ظاهراً درگذشت ایشان در سال ۱۳۶۹ ذکر شده^۵ که با توجه به یادداشتی که درباره مراجعه ایشان به بعثه رهبری در ایام حج و در ۱۵ خرداد ۱۳۷۰ نوشته شده، چنین معلوم می شود که درگذشت او تاریخی پس از آن بوده است.^۶

از مرحوم رضوی تا کنون سی جلد کتاب در زمینه های تاریخ اسلام، عرفان و فلسفه به زبان های انگلیسی و هندی منتشر شده است. افزون بر آن، حاصل تحقیقات و مطالعات دکتر رضوی در نشریات بین المللی آمده است.^۷

داستان برگردان دوباره جلد اول کتاب

گویا پس از انتشار مجلد اول در سال ۷۶ و مواجهه دکتر معتمدی با این کتاب که پیش از این خود ترجمه کتاب تاریخ تصوف در هند^۸ (پایان یافته در ۱۳۷۵) را به دست گرفته بود، به مطالعه اثر می پردازند، اما وجود اشتباهات فراوان از درج نام مؤلف در روی جلد گرفته تا ضبط اعلام و اصطلاحات و برگردان نادقیق، او را برمی انگیزد که مجموعه یادداشت های خویش را در قالب مقاله ای در نقد ترجمه در ماهنامه آینه پژوهش که اتفاقاً از سوی انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می شد به چاپ برساند.^۹ برآیند نقد این ترجمه، موجب جلب توجه متولیان این انتشارات به ایرادات ترجمه و انصراف آنها از ادامه کار ترجمه و نشر جلد دوم شد؛ آنچنان که ناقد آن زمان و مترجم کنونی جلد اول (آقای دکتر معتمدی) در مقدمه کتاب از این واقعه به شگفتی یاد کرده و روحیه علمی و نقدپذیری متولیان انتشارات مذکور را می ستاید. گویا پس از ۱۰ یا ۱۲ سال از زمان انتشار این مجلد، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی از ایشان می خواهند که ترجمه مذکور را ویرایش کند، اما پس از انجام کار که تقریباً ترجمه جدیدی را از متن به دست داده بود، این اثر در قالب بازترجمه منتشر شد. شایان ذکر است که مترجم جلد نخست دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد است که پیش از این، ترجمه آثاری چند به قلم ایشان منتشر شده است. وی در مقدمه عالمانه ای که بر جلد اول کتاب نوشته مهم ترین کارهایی

۵. هوشیار، محمدجواد و دیگران، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، زیر نظر غلامرضا جلالی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰.

۶. معتمدی، منصور، «مقدمه بر کتاب تاریخ اجتماعی-فکری شيعه اثناعشري در هند»، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

۷. بنگرید به: معتمدی، منصور، «مقدمه بر کتاب تاریخ اجتماعی-فکری شيعه اثناعشري در هند»، ج ۱، ص ۱۷-۱۸؛ همچنین قس با: هوشیار و دیگران، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۸. معتمدی، منصور، تاریخ تصوف در هند، تهران، انتشارات، ۱۳۸۰.

۹. معتمدی، منصور، «آیا ابو حامد غزالی حکومتی تشکیل داد؟ مروری بر کتاب شيعه در هند»، ماهنامه آینه پژوهش، شماره ۴۷، ۱۳۷۶، ص ۲۲-۲۸.

را که بر روی ترجمه این کتاب انجام داده، به تفصیل بیان کرده‌اند که توجه به آنها بازترجمه کتاب را بیش از پیش ضرورت بخشیده است.

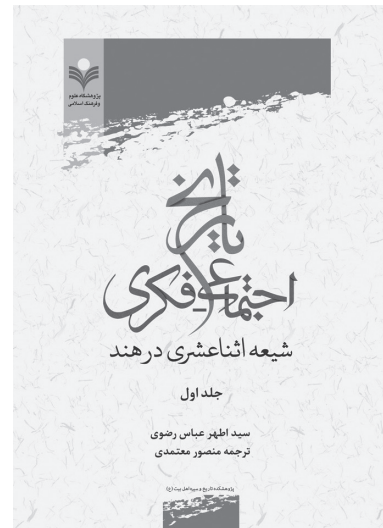
معرفی کتاب

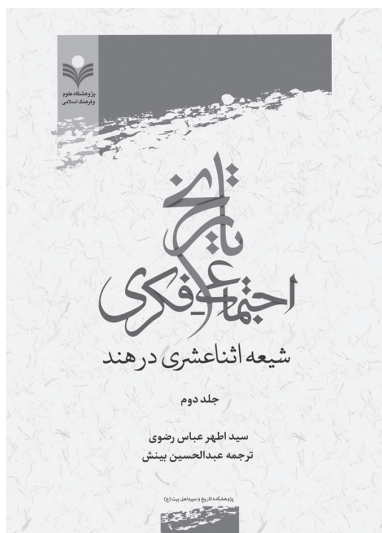
جلد نخست این کتاب مشتمل بر مقدمه، چهار فصل و نتیجه‌گیری است و جلد دوم علاوه بر مقدمه کوتاه پنج فصل دارد که در پایان هر مجلد نتیجه‌گیری و فهرست نمایه آمده است. جلد نخست رویدادهای تاریخی را از دوران حضرت محمد (ص) تا هنگام شهادت قاضی نورالله شوشتری (د: ۱۰۱۹ق) در بردارد. مباحث مربوط به مبارزه‌های شیعه برای بقا در هند شمالی، علمای شیعه، خدمات شیعه به فلسفه، علم و ادبیات در هند و برگزاری بزرگداشت کربلا، شیعه و تجددگرایی در جلد دوم آمده است.

معرفی جلد اول: نویسنده مقدمه کتاب را با اشاره به سخنان آدامز درباره شیوه‌ها و رسوم مطالعات اسلامی پژوهشگران غربی می‌آغازد که می‌کوشیدند اسلام را به صورت سنتی یکپارچه در نظام باور و عمل ببینند و این شیوه سبب شد که توجه عمده معطوف به گرایش غالب اسلامی، یعنی جریان اهل سنت شود و سایر مکاتب همانند شیعیان اثناعشری نادیده گرفته شوند؛ در حالی که بین آنها تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد. سید اطهر برخلاف غرض ورزی‌های برخی خاورشناسان که شیعیان را به تفرقه افکنی متهم کرده‌اند، بر این باور است که اهل بیت (علیهم السلام) حافظان کل مجموعه وحی الهی و سنت پیامبرند. در نتیجه پیروان آنها به نسبت سایر فرقه‌های اسلامی دیگر نزدیک‌ترین افراد به اهل سنت و شریعت پیامبر (ص) هستند. برخلاف آنچه برخی می‌پندارند، شیعیان، اصحاب و همسران پیامبر را محترم می‌شمارند، اما عملکرد آنان را در پرتو تداوم پیروی از پیامبر و اهل بیت را ارزیابی می‌کنند. او از جزو آزار شیعیان در طول تاریخ به‌ویژه در هند پرده برمی‌دارد. بحث بر سر نفوذ تشیع در نقاط مختلف هند و تأسیس حکومت‌های شیعی در سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری (۱۶ تا ۱۸ میلادی) به سبب مسامحه‌های فکری رجال شیعه در دربار مغول از دیگر مباحث این مقدمه است و مطالب دیگری که در ادامه مقدمه آمده، معرفی شمه‌ای از محتوای مطرح‌شده در فصل‌های مختلف کتاب است که ذکر آنها خواهد گذشت.

مؤلف در فصل اول، بحث خویش را با واژه‌شناسی «شیعه» و مصداق آن و همچنین مهم‌ترین شواهد قرآنی که مرادف اهل بیت پیامبر آمده است، آغاز می‌کند. سپس شمه‌ای از تاریخ اسلام را با محوریت تشیع پس از وفات پیامبر و مخالفت‌هایی که با آنها تا غیبت امام زمان شد می‌آورد. او همچنین در میان مباحث تاریخی به برخی مباحث کلامی همچون امامت در دیدگاه تشیع اشاره می‌کند. وی اقداماتی را که برخی از شخصیت‌های تاریخی مثل طلحه، زبیر، معاویه و دیگران در نپذیرفتن خلافت امام علی (ع) و فرزندانشان انجام دادند از سنخ بازگشت به قوانین پیش از اسلام برمی‌شمرد. نویسنده در همین فصل شمه‌ای از احوال بزرگان شیعه از حضرت علی (ع) گرفته تا اصحاب خاص ایشان، یعنی ابودر، عمار یاسر، سلمان فارسی تا اصحاب شیعی پیامبرین صحابه و تابعین و تابعین تابعین بیان می‌کند. در ادامه همین فصل به معرفی مفسران، محدثان و متکلمان شیعه که به زعم رضوی از متکلمان اهل سنت پیشی جسته بودند می‌پردازد. از این رو احوال این بزرگان را با استناد به کتب رجال از قرن نخست تا قرن ۱۲ هجری، یعنی محمد باقر مجلسی (د: ۱۱۱۱ق) به همراه کتاب‌شناسی این بزرگان می‌آورد. فصلی که پیش از این ذکر آن آمد، به صورت مستقل مختصری از تاریخ تشیع را تا عصر یادشده پیش روی خواننده می‌نهد که در جای خود در خور توجه است. از آنجایی که منبع اصلی مؤلف علاوه بر سایر آثار رجالی، کتاب مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری بوده و همان‌طور که می‌دانیم قاضی نورالله با عنایت به اینکه هر کسی را اندک اظهار محبتی نسبت به امام علی (ع) و اهل بیت داشته در شمار شیعیان آورده، از این رو، مشی مؤلف به پیروی از قاضی نورالله در معرفی بزرگان شیعه خالی از اشکال نیست.

فصل دوم با موضوعات متنوع به معرفی جایگاه تشیع در شمال هند اختصاص دارد. بر طبق گزارش‌های تاریخی





ورود اسلام به هند در زمان خود پیامبر و به واسطه ورود بازگانان عرب مسلمان بود، اما در زمان خلافت حضرت علی (ع) نیروهای عرب از مرزهای سند گذشتند و پس از تسخیر سیستان، نظام اداری آن را شکل جدیدی بخشیدند و در نتیجه تشیع وارد سند شد تا جایی که شنسب جد غوریان با حضرت علی (ع) پیمان وفاداری بست. بعدها در مراسم تاج‌گذاری حکمای این سلسله به این پیمان و مفاد آن عمل می‌شد. ظاهراً با سیطره عباسیان و گسستن ارتباط شنسبانیان با ائمه (علیهم السلام) و تسلط ترک‌ها، شنسبانیان و سایر شیعیان وادار به پذیرش تسنن شدند. از آنجایی که تشیع زیدی و اسماعیلی تا سده پنجم هجری غلبه قابل توجهی بر شیعه دوازده امامی داشت، مؤلف ذیل چهار مبحث از کشاکش زیدیان و اسماعیلیان و امرای سند و فعالیت داعیان اسماعیلی در سند، گجرات و دهلی و انشعاب‌های اسماعیلیان و وضعیت آنها تا قرن دهم سخن گفته است. محبت صوفیان هند، به ویژه دو سلسله چشتیه و سهروردیه که خرقة خود را به حضرت علی (ع) می‌رساندند، از دیگر مباحث این فصل است. این محبت در سخنان بزرگانی همچون نظام الدین اولیاء، نصیرالدین چراغ دهلی، خواجه بنده نواز گیسودراز و سید جلال بخاری معروف به مخدوم جهانیان که سنی متعصب بود و مریدانش آمده است. مهاجرت سادات به هند پس از دوره مغول و در زمان سلطنت سلطان محمد بن تغلق، فعالیت‌های صوفیان پراوازه‌ای همچون علاء الدوله سمنانی و شاه نعمت‌الله ولی و مریدان آنها از عوامل گسترش تشیع در هند بود و به همین دلیل مؤلف به آنها پرداخته است. از مهم‌ترین مهاجرت‌ها، ورود سید محمود سبزواری و طایفه سادات بیهقی به کشمیر بود که گسترش تشیع را در این منطقه تقویت کرد و در دوره شاه اسماعیل صفوی به واسطه فعالیت صوفیان نوربخشی (حدود ۹۰۷ق) تشیع رواج بیشتری یافت و حتی با وجود مخالفتی که با آنها می‌شد، توانستند حکومت شیعی تشکیل بدهند. نویسنده در ادامه وضعیت شیعه را در دوره حاکمان مغول از جمله بابر، همایون و اکبر را بررسی کرده است. از آنجایی که همزمان با آنها حکومت شیعی صفویه در ایران بر سر کار بود، حاکمان گورکانی خودشان را به تشیع متمایل نشان دادند. یکی از اقدامات اکبر تأسیس مرکزی به نام عبادت‌خانه خدا برای مباحثات دینی بود که در ابتدا اهل سنت در آنجا نفوذ داشتند، سپس اکبر از شیعیان هم دعوت کرد که به آنجا بیایند و در نتیجه مجادلات شیعه و سنی بحث‌های داغی رقم زد. گویا نقش علمایی همچون فیضی و برادرش ابوالفضل و پسران مولانا عبدالرزاق (صدر گیلان) حائز اهمیت است و آنها سبب شدند که اکبر از جزم‌اندیشی فاصله بگیرد و در صلح کل پیش قدم شود. نویسنده این فصل را با شرح اقدامات وزرای دربار اکبر و برخی منصب‌داران دربار اکبر که ایرانی بودند و نقش مهمی در تحولات تشیع در هند داشتند به پایان برده است.

مؤلف در فصل سوم ابتدا شمه‌ای از تاریخچه سلسله بهمنی دکن می‌آورد که از سال ۷۴۸ تا ۹۳۲ ق در دشت مرتفع دکن حکومت می‌کردند. در ادامه از علمای این منطقه و خدمات آنها یاد می‌کند. در این میان یادکرد خدمات فضل‌الله اینجو، فرزندان و نوادگان شاه نعمت‌الله ولی، محمود گاوآن قابل توجه است. با رسیدن ملک حسن نظام‌الملک بحری به نخست‌وزیری و جانشینی پسر او شهاب‌الدین محمود (۸۸۷-۹۲۴ق) پادشاهی بهمنی‌ها تجزیه شد. پس از فروپاشی بهمنیه، پنج سلسله بر سر کار آمد که دو تا از آنها که هر دو سنی مذهب بودند، یعنی عمادشاهی در برار و بریدشاهی در بیدر عمر کوتاهی داشتند، اما سه سلسله دیگر، یعنی عادل‌شاهیان در بیجاپور، نظام‌شاهیان احمد نگر و قطب‌شاهیان گلکنده دوام بیشتری یافتند. مؤلف بیش از همه به قطب‌شاهیان پرداخته است و از آنجایی که پیدایش آنها مقارن با ظهور صفویه در ایران بود، از تعامل سلاطین آنها با صفویه سخن به میان می‌آورد. یکی از اقدامات قطب‌شاهیان ایجاد مراکزی به نام عاشورخانه برای برپایی مراسم عزاداری امام حسین (ع) بود. مهم‌تر از همه اینکه بر اساس کتیبه‌هایی که در عاشورخانه‌ها برجای مانده، ظاهراً آنها بناهای عام‌المنفعه‌ای همچون بیمارستانی برای درمان بیماران دایر کردند که همین امر کنجکاوی هندوان را برانگیخت و در نتیجه سبب گرایش آنها به تشیع شد. در ادامه مهم‌ترین پژوهشگران و شاعران قطب‌شاهی از جمله ابن خاتون، میرزا فضل‌الله شیرازی و میرزا نظام‌الدین احمد و برخی دیگر از نویسندگان و سیاستمداران آنها معرفی شده‌اند. سرانجام این

سلسله در سال ۱۰۹۸ هجری با حمله اورنگ زیب به گلکنده سقوط کرد.

فصل پایانی و چهارم این مجلد به ذکراحوال و آثار و خدمات قاضی نورالله شوشتری به تشیع در هند اختصاص دارد. رضوی با معرفی کتاب‌های قاضی نورالله از جمله مصائب النواصب، مجالس المؤمنین و احقاق الحق می‌کوشد تلاش او را در دفاع از کیان تشیع در برابر رده‌هایی که بر شیعه در هند نوشته می‌شد نشان دهد و اینکه سرانجام به واسطه سعایت برخی جان برسر این کار نهاد. از همین روی، شرحی از نحوه شهادت قاضی نورالله و بالاخره معرفی‌ای از سایر آثار قاضی در زمینه‌های مختلف از جمله تفسیر و موضوعات دیگر آورده است. مؤلف در پایان پس از ذکر خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در این جلد، چنین نتیجه می‌گیرد که نقدهای علمای اهل سنت هند، به ویژه برخی از آنها در دوره معاصر، محصول آشنایی ایشان با انقلاب اسلامی ایران بود و به طور کلی بر آن است که اگرچه علمای اهل سنت می‌گفتند منابع شیعه را دیده‌اند، مطالبی که آورده‌اند نشان می‌دهد چندان با افکار شیعه آشنایی نداشته‌اند. از طرفی علمایی همچون قاضی نورالله نقش بسزایی در اعتلای اندیشه‌های شیعی در هندوستان ایفا کردند.

رضوی در جلد دوم کتاب زوایای مختلف حیات فکری اجتماعی شیعیان هند را از قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ میلادی بررسی کرده است. در فصل اول که تقریباً کوتاه است ابتدا از تلاش‌های شیعیان برای حضور در هند شمالی سخن به میان آمده و فعالیت‌های علمی و فرهنگی پنج پسر قاضی نورالله شرح و بسط داده شده است. مؤلف می‌کوشد به رهبران شیعه در دوره همایون، اکبر و جهانگیر از جمله خاندان نورجهان و زمانه بیگ و ابراهیم خان اشاره کند و به طور اختصاصی نقش و فعالیت میرجمله سعیدخان را که سهم عمده‌ای در اعتلای شیعه در عصر مغول داشت از نظر بگذراند. بحث دیگر این فصل درباره تنش‌های شیعی-سنی در کشمیر، دهلی، لاهور، دکن، بنگال و جاهای دیگر در دوره اورنگ زیب است تا جایی که شیعیان مجبور به تقیه شدند. پس از سقوط صفویه به دست افغان‌ها این اوضاع تداوم یافت. از همین روی بسیاری از شیعیان مجبور به جابجایی و هجرت شدند تا اینکه نادرشاه افشار در سال ۱۱۴۵ با سرکوب افغان‌ها و برکناری شاه طهماسب دوم به پادشاهی رسید و به سودای منابع مالی به هند لشکر کشید. نویسنده از اقدامات شاه ولی‌الله دهلوی، شاه عبدالعزیز سخن می‌گوید و اینکه تلاش می‌کردند به سنیان القا کنند دین و مذهب حقیقی تسنن است. گویا با وجود این مخالفت‌های رهبران سنی، در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی تشیع در مناطق دهلی و پانی پت محبوبیت یافت و خانواده‌های بسیاری به تشیع گرویدند.

فصل دوم این مجلد به معرفی علمای شیعه در هند شمالی در شهرهای کشمیر، عظیم‌آباد، بنگال، لکهنودر سده‌های مذکور اختصاص دارد. در ادامه شرحی از احوال و اقدامات فرهنگی، به ویژه آثار علمی مولانا سید دلدار علی غفران مآب و پسران و نوادگانش و همچنین خاندان کنتوری (کنتور واقع در بهراچ شرق لکهنو) آمده است. نکته قابل توجه اینکه بخشی از فعالیت علمای شیعه در هند در قالب تألیف کتاب و رساله‌های علمی چه در تبیین مبانی شیعه و چه در دیدگاه‌های مخالفان بوده است که از جمله آنها می‌توان به ردیه مولانا سید دلدار علی بر تحفه اثناعشریه شاه عبدالعزیز دهلوی اشاره کرد.

فصل سوم با عنوان سهم شیعه در علم، فلسفه و ادبیات در هند، با ذکر خدمات فلسفی ابن سینا و مخالفت علما با او آغاز می‌شود و اینکه علمای هند چگونه از آثار حکمی و فلسفی و طب ابن سینا تأثیر پذیرفتند. از میان علمای هند تأثیر ابوالفتح و حکیم همام و حکیم نورالدین فرزندان عبدالرزاق گیلانی، شریف آملی، شاه فتح‌الله شیرازی که دارای اختراعات مختلف و مناصبی در مقامات لشکری و کشوری بودند قابل توجه است. از طرفی تأثیر فیلسوفان و بزرگانی همچون شیخ بهایی، محمد باقر میرداماد و ملاصدرا بر جریان فرهنگی و علمی هند نیز بررسی شده است. به سبب فعالیت علمایی همچون دانشمند خان و ارتباطی که با فرانسوا برنیه داشت، شاهد رواج فلسفه و علوم غربی در سده هفدهم در هند هستیم. از همین روی نویسنده می‌کوشد تلاش‌های علمایی همچون تفضل حسین خان،

میرمحمدحسین، نجم‌الدین علی خان، میرزا ابوطالب اصفهانی و غلام حسین جونپوری را در گسترش علوم و فنون بازنماید. از این میان کسانی همچون ابوطالب به واسطه ارتباطش با انگلیسی‌ها عمیقاً تحت تأثیر صنعت چاپ و روزنامه‌های انگلیسی بود و با علاقه فراوان از کارخانه‌های انگلیسی بازدید کرد.

گویا در دوره اکبرادبیات فارسی، به ویژه شعر فارسی رواجی داشت. نویسنده با استناد به کتاب منتخب التواریخ بدایونی و اکبرنامه ابوالفضل علامه عده‌ای از آنها را معرفی کرده است. آنچنان که در منابع آمده است حدود ۸۲ نفر از شاعران دربار اکبر ایرانی بودند یا از ۱۰۳ شاعری که در مجلس شعر دربار عبدالرحیم خان خانان شرکت می‌کردند، ۷۱ نفرشان ایرانی بود که از جمله مهم‌ترینشان می‌توان به علامه فیضی و برادرش ابوالفضل اشاره کرد. شعر و نثر پارسی در هند با مجموعه اشعار صوفیانی همچون حمیدالدین ناگوری (د: ۶۷۳ق)، بابا فرید شکرگنج (د: ۶۶۴ق) و امیر خسرو (د: ۷۲۵ق) به اوج رسید، اما ظاهراً از قرن هجدهم میلادی زبان اردو به تدریج جایگزین زبان فارسی شد. نکته جالب اینکه از ۴ معمار نخست شعر اردو در هند، سه نفر آنها شیعه بودند. رضوی در مباحث پایانی این فصل از فعالیت‌های علمی شاعران و تاریخ‌نگاران شیعه سخن گفته است.

نویسنده در فصل چهارم با عنوان بزرگداشت حادثه کربلا، ابتدا مهم‌ترین مراسم‌ها، جشن‌ها و عزاداری‌هایی را که به یادبود وقایع اهل بیت (علیهم السلام) از سوی شیعیان و حتی سنی‌های هند برگزار می‌شد معرفی می‌کند؛ اینکه چگونه امویان با جعل احادیث و سخن درباب اینکه پیامبر در این روز روزه گرفت، سعی کردند از سوگواری برای سالار شهیدان ممانعت کنند که این جریان‌ها با تشکیل حکومت‌های شیعی و سنی همانند آل بویه، فاطمیان، ایوبیان با فراز و نشیب دنبال شد. او همچنین رسوم سلسله‌های صوفیه همانند بکتاشیه، چشتیه و درویشان قلندری و حیدری در ترکیه و هند را تا روزگار معاصر شرح داده است. گویا در دوره تیموریان مجالس عزاداری نیز برپا می‌شد و تا دوره اکبر و حتی دوره معاصر نیز ادامه پیدا کرد و از جمله کارهایی که انجام می‌شد حمل پلاکاردهایی بود و اینکه در این بین درگیرهایی نیز میان اهل سنت و شیعه پدید می‌آمد. شرح آیین‌های محرم در هند شمالی، شهرهای آوده، حیدرآباد، دکن و شهرهای آن از دیگر مطالب این فصل است که برای نمونه در حیدرآباد برای رواج آیین محرم محلی به نام عاشورخانه ساخته شد. در ادامه مهم‌ترین نمادهای محرم در هند معرفی شده‌اند که به خوبی جنبه‌های آیینی شیعه را در مناطق مختلف هند بازگو می‌کند. از جمله این نمادها، الاوه یا آتشگاه، تابوت و تعزیه و ضریح، براق و ذوالجناح، عاشورخانه، عزاخانه، حسینیه، امام‌باره بودند. گفتنی است که مؤلف حتی به نوحه‌ها و خطبه‌هایی که خوانده می‌شد توجه کرده و نحوه راهیابی داستان‌های کربلا به اشعار تیلیگو، سندی و بنگالی را بررسی کرده است.

اما آخرین فصل این مجلد به مدرنیسم و رابطه تشیع و نوگرایی اختصاص دارد. رضوی می‌کوشد واکنش علمای شیعه شبه قاره را در برابر مدرنیسم نشان دهد. اینکه چگونه برخی علما همانند تفضل حسین و دانشمندخان فلسفه و علوم غربی را فراگرفته و کشفیات آنان را در پرتو علوم اسلامی تجزیه و تحلیل کردند. او در این فصل به تلاش‌های سید احمدخان هندی برای انتشار علوم غربی و توجه دولت بریتانیا به مسلمانان اشاره کرده است. نکته قابل ذکر همراهی شیعیان با سید احمد در جنبشی بود که می‌خواست زبان و خط اردو فارسی را در نظام اداری هند رسمی کند. افزون بر این، او از تلاش سید احمدخان برای تأسیس کالجی در علیگره پرده برمی‌دارد که علمای شیعه نیز در آن فعالیت داشتند. در ادامه این فصل تلاش‌های عالمان شیعه همچون برادران بلگرامی، مولوی چراغعلی، محسن الملک، مولانا کرامت حسین، قاضی امیرعلی در زمینه ترویج آموزه‌های غربی و تحصیلات انگلیسی، دفاع از اسلام در برابر مسیحیان، نهضت روشنفکرانه معاصر شیعیان، تحصیل بانوان، بازخوانی تاریخ اسلام تبیین شده است. نکته دیگر اینکه نویسنده از بیداری اسلامی و نقش شیعیان در سه منطقه کلکته، بمبئی و هند علیا سخن می‌گوید که سعی می‌کردند از طریق ساخت انجمن‌ها و گرد همایی‌ها در آنها شرکت کنند و از مسلمانان می‌خواستند که از

هویت و نیازهای سیاسی ویژه خودشان دفاع کنند. آخرین مبحث این جلد درباره پان اسلامیسیم است که به دلیل تهدید امپریالیست‌های اروپایی برضد استقلال پادشاهی‌های اسلامی در غرب آسیا، آفریقا و آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. تلاش‌های جمال‌الدین افغانی در مبارزه با رشد تفکر غربی و ماتریالیستی در جوامع شرقی و اسلامی حائز اهمیت است. اینکه او سعی می‌کرد بیش از هر چیز بر وحدت ملی تأکید کند و به همین دلیل بزرگان شیعی همانند سید امیرعلی، محسن‌الملک هر کدام موضع خاصی در قبال او گرفتند، اولی طرفدار او بود و باور داشت که پان اسلامیسیم و خلافت نمادهای وحدت اسلامی در جهان بودند، در حالی که محسن‌الملک همانند سید احمد پان اسلامیسیم را به دلایل سیاسی رد می‌کرد. به نظر رضوی، شیعیان تا پایان سده ۱۹ میلادی از فرصت‌هایی که دولت بریتانیا برای هندی‌ها فراهم کرد بهره بردند، اما برای آنها مدرنیسم بیشتر به مفهوم زیر پا گذاشتن شریعت بود، نه ترک سنت‌های اجتماعی و اخلاقی اسلامی و هندی. اگرچه شیعیان مانند دیگر هندیان برای برخورداری از مواهب زندگی آسوده‌تر تغییراتی در منازل و مبلمانشان انجام دادند، آنها مقلد صرف غرب نبودند.

اشتباه‌های چاپی

با وجود دقت فراوانی که در ارائه صورت منقحی از کتاب به کار رفته، برخی اشتباه‌های چاپی نیز در این اثر دیده می‌شود که ناشر محترم می‌تواند در ویرایش‌های بعد به آنها توجه کند که البته برخی از آنها حتماً جای تصحیح دارد، به گونه‌ای که سبب نقص در مطالب کتاب شده است. البته راقم این سطور اصلاً بنای نقد ترجمه را ندارد و تنها بعضی از موارد را که در حین مطالعه اثر به آنها برخورد کرده است، صرفاً برای استحضار خوانندگان و در گام بعد ناشر محترم به قلم آورده است:

جلد اول:

ص ۱۸: در مقدمه که به قلم مترجم نوشته شده است، پس از معرفی کتاب‌های رضوی به هندی، سخن از برخی تحقیقات او به میان آمده که در نشریات بین‌المللی منتشر شده‌اند، اما در زیر آن نام کتابی نیامده است. شایان ذکر است که آثار به شمارگان ۹ تا ۱۲ همان نشریاتی بوده‌اند که به اشتباه جزء نوشته‌های رضوی به زبان انگلیسی معرفی شده‌اند.

ص ۲۳: افزون بر به جای لفزون بر.

ص ۶۵: واژه عمیقاً دو بار تکرار شده است و عبارت را نازیبا کرده است.

پاورقی ص ۲۵۸: نام سعدالدین حموی از مریدان نامدار نجم‌الدین کبری به صورت صدرالدین حموی^{۱۰} آمده است. ص ۲۷۱: ابوالبرکات تقی‌الدین علی دوستی از خلفای علاءالدوله سمنانی است که نام او در کتاب به صورت تقی‌الدین علی دوربستی^{۱۱} آمده است که صحیح نیست.^{۱۲}

جلد دوم:

ص ۱۹۱: مصابیح الظلام به جای مصابیح الضلام.

ص ۲۶۷-۲۶۸: مصارع الافهام به جای مسارع الافهام.

ص ۳۴۱: یوگا واشیستهه (Yoga Vashistha) به جای یوگا و شمسیتا.

ص ۳۴۴: سنسکریت به جای سانکریت.

ص ۵۰۱: لعل شهباز قلندر به جای لال شهباز قلندر.

ص ۵۳۳: نقطه عطفی به جای نقطه عطقی.

10. Sadru'd-Din Hamawi (Rizvi, Vol. 1, p. 153).

11. Taqiu'd-Din Ali Dürbāsti (Rizvi, Vol. 1, p. 161).

۱۲. بدخشسی، نورالدین جعفر، خلاصه المناقب، به کوشش دکتر سیده اشرف ظفر، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴، ص ۴۸-۴۹ و جاهای دیگر.

ص ۵۵۵: آزمون به جای آموزن.

ص ۶۵۷: سرسيد احمد به جای سرسيد حمد.

ص ۵۶۳: در اين مبحث مؤلف از واکنش های علمای شيعه شبه قاره در برابر مدرنيسم سخن می گوید، اما مترجم به اشتباه «Biblical Stories»^{۱۳} به معنای داستان های کتاب مقدسی / يا عهديني را به داستان های انجيل ترجمه کرده است. از اين رواج عبارت فارسي برمی آيد که داستان طوفان نوح در انجيل (حال آنکه انجيل هم متفاوت اند) آمده، اما اين داستان در عهد عتيق و در کتاب پيدايش درج شده است. (بنگرید به سفر پيدايش: باب های ۷-۸) ص ۵۶۹: ضبط صحيح طبقات چهارگانه هندو با نام های براهمنه، کشتريه، ويشيه و شوده است که به صورت برهمنيه، کشتريه، وشيه و سوده آورده شده است.

گفتنی است که مراد از واژه ايندوس (Indus) خود سند است که مترجم محترم آن را به سند ترجمه نکرده و به صورت ايندوس آورده است. (ص ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۲۹۷)

نظريه برخی ناهماهنگی هایی که در ضبط اعلام در هر دو مجلد وجود دارد، بایسته بود ناشر محترم به عنوان رابط بين اين دو مترجم اجماعی در ضبط اعلام کتاب حاصل می کرد. به هر روی اين کتاب اثری واحد است و نمی توان یک بام و دو هوا عمل نمود. برخی از اين ناهماهنگی ها که شمار چندانی هم ندارند، عبارتند از: آگره، آگرا؛ اُچ، اُچ؛ پنته، پنتا؛ کنگره، کنگرا؛ مچھلی پتن، مچھلی پتم؛ متهورای، متهورا.

ملاحظات محتوایی

ارزیابی محتوایی کتاب و ترجمه آن

۱. فراوانی ارجاع به منابع مختلف اعم از چاپی و نسخه های خطی، حاکی از تلاش مضاعف مؤلف است. اشرف رضوی بر منابع و آثار نویسندگان مسلمان به گونه ای است که هرگاه به آثار علما اشاره می کند، از کهن ترین نسخه های خطی آنها در کتابخانه های مختلف دنیا سراغ می دهد و اين امر خود نشان از وسعت تحقیق و میزان تتبع مؤلف در منابع دارد. از طرفی همين نسخه های خطی می تواند دستمایه پژوهش های بعدی محققان شود.

۲. ارائه جامع سير تاريخی حیات فکری. اجتماعي شيعه از آغاز ورود تشيع به هند تا قرن ۱۹ دلیلی بر اشرف نویسنده بر موضوع مورد بحث دارد. از طرفی او با وجود پایبندی اش به تشيع امامی کوشیده است به عنوان مورخی بی طرف مباحث را مطرح کند و تا جایی که توانسته از دایره انصاف خارج نشده و مجادلات سنی. شيعی و اثرات سوء آن در کتاب انعکاس منفی نیافته است.

۳. یکی دیگر از نقاط قوت اين اثر که به همت و تلاش مترجمان به انجام رسیده، پاورقی هایی است که بر خطاهاي احتمالی مؤلف آورده اند؛ به ويژه در جلد نخست اين استدراک ها به فراوانی انجام گرفته تا جایی که مترجم ضمن مراجعه به اصل منابع مورد استفاده رضوی، خطاهاي او را با آوردن پاورقی های فراوان گوشزد کرده است. به همين دليل خوانندگان محترم را به خود کتاب حواله می دهيم. در مجلد دوم نیز اين مراجعه صورت گرفته، اما کمتر از جلد نخست است و بیشتر به ترجمه بسنده شده است.

۴. اما مهم تر از همه، برگردان روان و چشم نواز اين اثر به گونه ای است که بوی ترجمه از آن به مشام نمی رسد. از اين رو تلاش هر دو برگرداننده در خور ستايش و تقدیر است. افزون بر آن برگردان بخش هایی که در ترجمه پيشين از کتاب حذف شده بود، در اين ترجمه دوباره آمده و مترجم آنها را در پاورقی مشخص کرده که خود گامی در جهت امانتداری و حفظ نوشتار اصلی است.

13. Rizvi, Vol. 2, p. 375.

اما برخی از نقاط ضعف این اثر از این قرار است:

۱. از آنجایی نویسنده از کتاب مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری بسیار تأثیر گرفته، کمی از میزان اتقان مطالب کتاب او کاسته است. همان طور که می‌دانیم قاضی نورالله، در هر کس اندک اظهار محبتی به تشیع می‌یافت، او را به تشیع منسوب می‌کرد. البته مؤلف گاهی چندان به مطالب کتاب مجالس پایبند نیست. برای نمونه در داستان خروج سید محمد نوربخش و مهدی خواندن وی از طرف مرادش خواجه اسحاق، گفته می‌شود که خواجه بر طریق تسنن بر این باور بود که در پایان هزاره اول، مهدی ظهور خواهد کرد، (ج ۱، ص ۲۷۳) حال آنکه قاضی نورالله به صراحت بر تشیع خواجه تأکید می‌کند.^{۱۴}

۲. گستره حوزه مطالعاتی و حجم فراوان مطالب باعث شده است که در برخی جاها بوی تکرار به مشام خواننده برسد. برای نمونه یکبار در مجلد اول از نقش شیعیان ایرانی مهاجر در دکن و سلسله‌ها در برگزاری مراسم محرم و عاشورا صحبت می‌شود و در مجلد دوم همان مطالب با تفصیل بیشتری در فصل چهارم آورده شده‌اند. بیان تذکره آنها نیز کتاب رضوی را شبیه آثار تذکره‌ای کرده که این البته به دلیل فراوانی علمای شیعه در این سرزمین پهناور بوده است.

۳. نویسنده برخی از داوری‌هایی را آورده است که چندان قطعی نیستند. برای نمونه در جلد دوم، صفحه ۵۳۲ اظهار نظری مبنی بر اینکه شیعه و سنی گزارش‌های روضه الشهداء را درباره حادثه کربلا پذیرفته‌اند، ذکر می‌کند، اما هیچ توضیحی در این باب نمی‌دهد که برخی علمای شیعه با مفاد این اثر مخالف‌اند. البته مترجم محترم می‌توانست این داوری را نقد کند.

کتابنامه

بدخشی، نورالدین جعفر؛ خلاصة المناقب؛ به کوشش دکتر سیده اشرف ظفر؛ اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴.

شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ به کوشش ابراهیم عرب پور و دیگران؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.

طالب، حمید؛ «گزارشی تحلیلی از آثار شیعه پژوهی شبه قاره هند»؛ مجله پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳.

معمودی، منصور؛ «آیا ابو حامد غزالی حکومتی تشکیل داد؟»؛ مروری بر کتاب شیعه در هند»؛ ماهنامه آینه پژوهش، شماره ۴۷، ۱۳۷۶، ص ۲۲-۲۸.

_____؛ تاریخ تصوف در هند؛ تهران: انتشارات نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.

_____؛ مقدمه بر تاریخ اجتماعی-فکری شیعه اثناعشری در هند؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.

هوشیار، محمدجواد و دیگران؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی؛ زیر نظر غلامرضا جلالی؛ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷.
Rizvi, Saiyid Athar Abbas, A Socio-Intellectual History of Isna 'Ashari Shi'is in India (7th to 16th century A.D.), Canberra, Ma'rifat Publishing House, 1986, Vol. 1-2

۱۴. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، به کوشش ابراهیم عرب پور و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۳۸۳.